

عنوان مقاله:

مساله «من» در نگاه گلن استراوسن

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 16، شماره 38 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

الهه خوش زبان - دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

زهره خزاعی - استاد گروه فلسفه کلام دانشگاه قم، قم، ایران.

خلاصه مقاله:

یکی از مباحث مطرح در فلسفه ذهن بحث از «من» است که فلاسفه با تعبیر مختلف خود، هویت شخصی، نفس و روح از آن یاد کرده اند. نظریات متفاوت فلاسفه درباره هستی و حتی چیستی این مفهوم به نظر ساده و بدیهی، آن را به یک مسئله فلسفی تبدیل نموده است. استراوسن فیلسوفی فیزیکالیست است که با تعبیر «خود» به این مسئله پرداخته است. وی از یک سو قائل به وجود «من تجربی» است؛ اما از سوی دیگر، ویژگی هایی چون استمرار، شخصیت و عاملیت را منکر شده است. درحالی که به نظر می رسد این مولفه ها، ویژگی هایی اساسی برای معنای «من» می باشند. نوشتار حاضر با روش تحلیلی-انتقادی سعی می کند از بستر تحلیل مولفه های مفهوم «من» مورد نظر استراوسن، به این سوال بپردازد که وی چگونه با عدم پذیرش این سه ویژگی، وجود «من» را باور کرده است. در این راستا، ابتدا دیدگاه استراوسن درباره ماهیت و وجود «من» تحلیل شده و پس از ارزیابی دیدگاه او این نتیجه حاصل می شود، که حذف این سه ویژگی ناشی از نقاط ضعفی چون اتخاذ مبنای فیزیکالیستی، رویکرد تجربه گرایی و روش پدیدارشناسانه و نگاه ذهنی صرف به «من»، نیز خلط دو مقام ثبوت و اثبات و ضعف در تبیین ویژگی وحدت درطول زمان است.

کلمات کلیدی:

من، خود، پدیدارشناسی، فیزیکالیسم، استمرار طولانی مدت، شخصیت، عاملیت، گلن استراوسن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1449155>

